

زبان و ادب فارسی  
نشریه دانشکده ادبیات و  
علوم انسانی دانشگاه تبریز  
سال 54، بهار و تابستان 90  
شماره مسلسل 223

## پیرامون تاتی کلاسور (kal sur)

دکتر جهان دوست سبزیعلیپور<sup>۱</sup>

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

### چکیده

گوش‌های ایرانی که گاه همپای زبان فارسی و گاه بیش از زبان فارسی قدمت دارند، ذخایری هستند که با گذشت سالیان دراز می‌توان از دل آنها به فرهنگ غنی و پربار ایرانی دست یافت و با شناخت هرچه بیشتر این گوش‌ها می‌توان به شناخت بیشتر زبان فارسی و باروری آن کمک فراوانی نمود؛ اما گاه پراکندگی و کمبود منابع در زمینه تعداد کثیری از گوش‌های ایرانی نو باعث شده است که نتوان آن چنان‌که شایسته است درباره آنها نظر داد و به تحلیل و طبقه‌بندی آنها پرداخت و بدان خاطر باید از هرگونه مواد و پیکره زبانی به دست آمده از چنین گوش‌هایی استقبال کرد. گوش تاتی که در زمینه ارتباطش با زبان آذری و زبان‌های دیگر ایرانی، نظرات بسیاری ذکر شده، از گوش‌هایی است که گونه‌های فراوانی دارد و یکی از آنها تاتی کلاسور (kal sur) از گوش‌های تاتی آذربایجان است. آنچه از این گوش در دست داریم، دو مقاله از آقای احمد اصغری است که در شماره‌های قبلی نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز چاپ شده بود. بنابه اهمیت این گوش در حال فراموشی و نیز بنا به این دلیل که از این گوش، مواد زبانی قابل اعتماد دیگری در دست نداریم، نگارنده در این مقاله به بررسی و تحلیل آن گوش پرداخته است. آنچه در این مقاله آمده تحلیل مواد قبلی و استخراج ویژگی‌های دیگر گوش تاتی کلاسور از روی مواد زبانی ارائه شده است که در دو بخش تنظیم شده است: ۱- تحلیل و بررسی تحقیق قبلی، ۲- ویژگی‌های دیگر زبانی تاتی کلاسور. در بخش دوم مقاله، سعی نویسنده بر آن بوده ضمن برشمردن ویژگی‌های زبانی تاتی کلاسور، با گوش‌های تالشی و تاتی خلخال نیز به‌طور تطبیقی مقایسه شود.

**کلیدواژه‌ها:** گوش‌شناسی، گوش تاتی کلاسور، بررسی تطبیقی، تالشی، تاتی خلخال.

## 1 مقدمه

گوش‌های ایرانی ذخایر گران‌بهایی اند که با گذشت سالیان دراز هنوز حامل فرهنگ غنی و پربرای ایرانی هستند و در دل خود ذخایری نهان دارند که با شناخت آنها می‌توان بیشتر از آنها بهره برد. گوش‌های ایرانی نو هر کدام در قسمتی از خاک ایران رایج‌اند و این پراکندگی گاه مانع شناخت دقیق آنها شده است درحالی‌که می‌توان با شناخت این گوش‌ها به شناخت بیشتر زبان فارسی و حل پاره‌ای از ناشناخته‌های زبانی و دستوری آن کمک کرد.

گوش‌های ایرانی آذربایجان (آذری، هرزنی، تاتی و ...) دسته‌ای از گوش‌ها هستند که چنانکه شاید و باید شناخته نیستند، این درحالی‌است که بسیاری از این گوش‌ها از بین رفته، و از آن بین تاتی در مناطقی اندک رایج است، گرچه تعداد این مناطق اندک است، اما همین تعداد نیز فرصتی غنیمت را به محققین می‌دهد تا پرده از زوایای مخفی این زبان‌ها بردارند.

گوش تاتی از گوش‌هایی است که در زمینه ارتباطش با زبان آذری و زبان‌های دیگر ایرانی، مثلاً تالشی، نظرات بسیاری (رک. هنینگ، 1954 و یارشاطر، 1336 و 1371) ذکر شده است. این گوش گونه‌های فراوانی دارد که یکی از آنها تاتی کلاسور (kal sur) از گوش‌های تاتی آذربایجان است.

آنچه از تاتی کلاسور (kal sur) در دست داریم، دو مقاله است که یکی در شمارهٔ مسلسل 198 نشریه دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز به نام «فعل در گویش تاتی کلاسور (kal sur)»، و دیگری در شمارهٔ مسلسل 207 همان نشریه به نام «اسم و ضمیر در تاتی کلاسور (kal sur)» از احمد اصغری چاپ شده بود و به معرفی و توصیف مختصر آن گوش اختصاص داشت. مقالهٔ اول در 25 صفحه (از ص 1 تا 25 مجله)، به ساختمان فعل تاتی کلاسور و مقالهٔ دوم در 21 صفحه (از ص 1 تا

21 مجله)، به مباحث دستوری اسم و ضمیر در آن گویش پرداخته‌اند. در مقدمه هر دو مقاله، اطلاعات مفیدی در ضمن مثال‌ها و شواهد فراوان دربارهٔ گویش تاتی و منطقهٔ مورد نظر داده شده است، در مقالهٔ اول نقشه‌ای از منطقهٔ مورد نظر نیز آمده است.

بنابه اهمیت این گویش در حال فراموشی و نیز بنا به این دلیل که از این گویش، مواد زبانی قابل اعتماد دیگری در دست نداریم<sup>1</sup>، باید از آقای اصغری سپاسگزار باشیم که این مواد را در اختیار محققین گذاشته است. اما از آنجا که همین مواد اندک، تحلیل کافی نشده و گاه به درستی تحلیل نشده، و ممکن است به دلیل کمی منابع در زمینهٔ آن گویش، فقط به داده‌های این مقاله استناد شود، نگارنده به تحلیل و تکمیل داده‌های زبانی آن پرداخته، و امیدوار است با داشتن مواد زبانی بیشتر بتوان هرچه کامل‌تر دربارهٔ این گویش اطلاعات کسب کرد.

نکاتی که در این مقاله آمده، در دو بخش اصلی تنظیم شده است:

#### 1 تحلیل و بررسی تحقیق‌های قبلی. اغلب موارد این بخش تکمیل و اصلاح

مواردی است که به درستی و یا دقیق تحلیل نشده است،

#### 2 ویژگی‌های دیگر زبانی تاتی کلاسور. این بخش شامل مواردی است که در

تحقیق‌های قبلی نیامده و در اینجا نیز صرفاً جهت آشنایی بیشتر با تاتی کلاسور و نیز مقایسهٔ آن با گویش‌های تالشی و تاتی خلخال، و به‌طور کلی جهت در دست داشتن مواد زبانی و تحلیل بهتر در بخش‌های واج‌شناسی، ساخت‌واژه، و واژگان آمده است.

#### 2 پیشینهٔ بحث

در زمینهٔ تاتی در مناطقی از آذربایجان نخستین بار کسروی با داشتن نمونه‌ها و مواد زبانی‌ای که برایش فرستادند (نک. کسروی، 1378: 135) و یا از طریق اطلاعات مردمان بعضی از آن نواحی، به مطالبی اشاره کرد و همان مطالب امروزه گاه تکرار شده و در مواردی تکمیل شده است. هنینگ در «زبان کهن آذربایجان»، از روی شواهد نشان دادهٔ کسروی، به چند روستا در محال قرجه داغ، در شمال شرقی تبریز اشاره و ذکر

کرده است که دربارهٔ زبان آنها چیزی دانسته نیست (هنینگ، 1374: 325). بعدها یارشاطر در زمینهٔ ارتباط زبان‌های ایرانی آذربایجان چنین نوشت: «لهجه‌های ایرانی که امروز در آذربایجان باقی‌مانده (هرزنی، کرینگانی و خلیخالی) به خلاف آنچه مشهور شده تصور نمی‌رود که بازماندهٔ زبان قدیم آذربایجان «آذری قدیم» باشد. این لهجه‌ها، چنان‌که از مقایسهٔ آنها بر می‌آید، باید از مشرق آذربایجان (طوالش) پس از استقرار زبان ترکی به بعضی از نقاط آذربایجان رفته باشد (یارشاطر، 1336: 37). یارشاطر خود در در ادامهٔ مطالعات خویش در سال 1354، نظرش را کمی تغییر داد و این احتمال را که این زبان‌ها از نقطهٔ دیگری به این سامان سرایت کرده باشند، منتفی و اصالت آنها را در این منطقه مسلم دانست (یارشاطر، 1371: 396). چون مواد زبانی این گویش‌ها تحلیل نشد، در این زمینه دیگر کسی با تحقیق زبان‌شناختی نظری نداده است. به هر حال همچنان دربارهٔ نحوهٔ ارتباط این زبان‌ها و گویش‌ها بحث فراوانی وجود دارد.

### 3 تحلیل و بررسی تحقیق‌های قبلی<sup>2</sup>

3 1 در بخش مصدر<sup>3</sup> (ص 18 الف) به چهار وند ماضی‌ساز -n, -r, -d, -t

اشاره شده، اما به وند ماضی‌ساز مهم -est- (و نیز گونه‌های -ast- و -st- و -ust-) که مصادر زیادی نیز از آن در تاتی کلاصور رایج است، اشاره نشده است. برای نمونه:

معنی	مصدر	معنی	مصدر
افتادن	gen-est-e	پوسیدن	ber-est-e
جوشیدن	qel-est-e	دانستن <sup>4</sup>	zun-est-e
چکیدن	l-ast-e	دریدن	der-est-e
خندیدن	ser-est-e	گریستن	beram-est-e
خواباندن	h n-est-e	شناختن	sen-ust-e
شلیدن	l nq-est-e	کوبیدن	ku-st-e

ساخت اصلی مادهٔ ماضی با پسوند *-d, -t* (باقی‌مانده از پسوند صفت مفعولی / *ta* / \*- ایرانی باستان) است و ساخت‌های دیگر که امروزه بیشتر استفاده می‌شود، ثانوی به نظر می‌رسند. پسوند *-d, -t* در اغلب گویش‌های ایرانی در حال کاهش و به جایش علامت ماضی‌ساز جعلی یا ثانوی *est*<sup>4</sup> در حال افزایش است.

3 2 قبل از فهرست مصادر آمده است: «در مواردی که مصدر به *-te* و *-er* ختم می‌شود، قبل از آنها مصوت (vowel) و در مواردی که به *-de* و *-ne* ختم شده، قبل از آنها صامت (consonant) آمده است» (ص 9 الف).

در هر دو نکتهٔ فوق جای تردید است، زیرا مصادری در همان فهرست آمده‌اند که مختوم به *-te* هستند، اما قبل از آنها مصوت نیامده است، مانند:

مصدر	معنی	مصدر	معنی
b ste	بستن	maste	شنیدن
ž šte	زدن	n šte	نشستن
kešte	کشتن	šuste	شستن

نکتهٔ دوم این است که واج *-r* همانند واج *-t* جزیی از مادهٔ نیست، بلکه در تعدادی از مصادر مختوم به *-re*، واج میانجی (hiatus) یا عنصر هموندی است و زمانی ظاهر می‌شود که ریشه مختوم به مصوت باشد، میانجی بودن این واج را از آنجا می‌توان اثبات کرد که در بن مضارع ظاهر نمی‌شود. در زیر چند مصدر همراه فعل امر آن مصدر، که از بن مضارع ساخته می‌شود، ذکر می‌گردد:

معنی	مصدر	معنی امر	امر مفرد	امر جمع
رفتن	šere [še-r-e]	برو / بروید	be-š	be š n
گذاشتن، نهادن	nure[nu-r-e]	بگذار / بگذارید	biš <u>na</u>	biš ay n
دادن	dure[du-r-e]	یک لیوان آب به من بده (ص 10 ب)	ni be- <u>da</u>	m n ru liv ni be- <u>da</u>

مصدر *bere* (بریدن) گرچه مختوم به *-re* است، اما واج *-r* جزئی از ماده فعل است، در مقابل آن واج *-r* در مصدر *bere* (بودن، شدن) واجی میانجی است، چون در ماده ظاهر نمی‌شود.

3 3 مصادری که در زیر شماره 2 مختوم به *-re* و 3 مختوم به *-de* آمده‌اند، عده‌ای ساده نیستند، بلکه مرکب‌اند، مثل:

شکل صحیح‌تر آنها		شکلی که در مقاله آمده	
bö □: de	بوییدن	böq de	بوییدن
k š dure	پراندن، کیش <sup>5</sup> دادن	k šdure	پراندن
t reš <sup>6</sup> dure	پیچیدن، پیچ دادن	t rešdure	پیچیدن
hur □: de	نوشیدن یا هورت کشیدن	hur □ de	نوشیدن

3 4 در پانوش شماره 18 آمده است: «همچنین گاهی به آخر فعل امر "ka" می‌آید، مانند: (راندن [بران *hayeška*]) (بنوش *hurka*) (ببوی *böka*) (ببوس *m ška*). گاهی فعل امر به تنهایی امر است. (بشنو «*be*» از مصدر *bere*)» (ص 24 الف).

در این مورد *ka* جزء فعلی یا همکرد فعل مرکب است از مصدر محتملاً *karde* یا *k rde* که در فهرست مصادر نیامده و شکل دیگرش (*de* □: کردن) در فهرست مصادر آمده است. هر کدام از فعل‌های بالا در اصل چنین‌اند: *heyeš ka* (بران)، *hur ka* (بنوش)، *m eš ka* (ببوس)، و آخرین فعل امر همان قسمت یعنی *(be)* به معنی «بشنو» یا از مصدر *bere* نیست، و محتملاً از مصدری دیگر است یا درست معنی نشده و یا غلط تایپی است، یعنی، «بشو» یا «باش» بوده است.

3 5 در ص 19 مقاله الف در بند 6 1 آمده: «گاهی بن فعل امر متفاوت از

مصدر است» و در ادامه این مثال‌ها آمده است:

bu	بیا	buy n	بیا بید	umare	از مصدر
beš	برو	be š n	بروید	šere	از مصدر
biš na	بگذار	biš nay n	بگذارید	nure	از مصدر
bay	برخیز	bay n	برخیزید	vend rde	از مصدر

این درست نمی‌نماید. سه فعل امر نخست جدول از ماده مضارع همان مصدر گرفته شده‌اند، وجود واج میانجی -r- در مصدر که در ماده مضارع ظاهر نشده، باعث این اشتباه شده است، و در مورد مصدر آخر باید گفت معلوم نیست چرا vend rde را مصدر این فعل ذکر کرده‌اند. این مصدر ربطی با فعل امر bay/bay n ندارد. مصدر این فعل<sup>8</sup> aešde است که در فهرست مصادر نیز به معنی «برخاستن» آمده است.

3 6 در ص 8 الف، ذیل بند 4 مختوم به -ne، مصادری آمده است که در

تعدادی از آنها -n- جزئی از ماده فعل است و در تعدادی نیست، بلکه وند واداری است، مانند:

qel-est-e	جوشیدن	در برابر	qel-n-e	جوشاندن
t res-t-e	ترسیدن	در برابر	tares-n-e	ترساندن
ber-est-e	پوسیدن	در برابر	ber-un-e	پوساندن
-----	---	در برابر	l rz-un-e	لرزیدن [لرزاندن]
vašd-e	سوختن	در برابر	vašd-un-e	سوزاندن

همچنان‌که از مقایسه دوستون سمت چپ و راست بالا برمی‌آید، -un- یا -n- جزئی از ماده فعل و در ردیف -t-, -d- نیست، بلکه وند واداری است که خود نویسنده نیز در صفحه 11 به شکل‌های دیگر این وند اشاره کرده است. در مقابل این دسته، در تعدادی از آن گروه -n- جزئی از ماده است مثل: in-e (چیدن)، kern-e (کشیدن).

3 7 در بخش ضمیر پیوسته، ذکر گونه‌ای از ضمیر سوم شخص مفرد فراموش شده است و آن (e)š- است که ضمیر پیوسته‌ای است که در حالت اضافی، ساخت ارگتیو، و موارد دیگر به کار می‌رود. گونه š- به مفعولی که مختوم به مصوت باشد، می‌پیوندد. مثالی از حالت اضافی این ضمیر در ص 16 الف آمده است: m n dada-š keš-ma (من پدرش را کشتم). در همه جملات ساخت ارگتیو<sup>9</sup>، سوم شخص مفرد این ضمیر به مفعول می‌پیوندد و به فعل ضمیر u/ a می‌پیوندد:

krum kar-eš öšd n du a? کدام خانه را خودش خرید<sup>10</sup>؟ (ص 15 ب)

hasan ali-š b q nda vin a. حسن علی را در باغ دید (ص 9 ب).

av m n-eš vin a او مرا دید (ص 14 ب).

ki man-eš □; daz ng ? چه کسی مرا صدا کرد؟ (ص 8 ب)

av kar-eš vindu. او خانه را دیده بود (ص 9 ب).

3 8 در بخش ضمایر پیوسته نهادی نوشته‌اند: «به صورت شناسه (decinences) در پایان فعل ذکر می‌گردد، و با توجه به زمان افعال متفاوت هستند. البته این ضمایر پیوسته، به همراه ضمایر مفعولی جدا هم به کار می‌روند» (ص 15 ب). این درست نمی‌باشد، چرا که ضمایر نهادی با ضمایر مفعولی، تفاوت دارند. ضمایر نهادی متصل یا پیوسته همان شناسه هستند که به فعل (در این گویش اغلب افعال لازم) می‌پیوندند و ضمایر متصل مفعولی (یا به عبارت دقیق‌تر غیرفاعلی) به اسم یا مفعول می‌پیوندند مانند: av m n-ša vin- a (او مرا دید).

همچنان که در بند 1 7 گذشت، در تاتی کلاسور تعدادی از ضمایر مفعولی<sup>11</sup> دو شکل دارند: دسته 1 شکلی که فقط به مفعول می‌پیوندند، دسته 2 شکلی که به فعل جملات دارای ساخت ارگتیو می‌پیوندند. این دو شکل در زیر، در کنار ضمایر نهادی ذکر شده‌اند و تفاوت آنها قابل رویت است:

ضمایر مفعولی		ضمایر نهادی		شخص و شمار
پیوسته به فعل متعدی	پیوسته به مفعول	پیوسته	جدا	
-m(a)	-m	-im	m n	اول شخص مفرد
-r(a)	-r	-iš	te	دوم شخص مفرد
- (a)	-š	-a	av	سوم شخص مفرد
-mun(a)	-mun	-imun	amen	اول شخص جمع
-run(a)	-run	-ir	šemen	دوم شخص جمع
-šun(a) / un(a)	- un	-ind	ave	سوم شخص جمع

در مثال‌های (ص 14ب) به راحتی می‌توان به تفاوت این ضمایر پی‌برد. در جدول فوق موارد متفاوت پررنگ نشان داده شده‌اند.

ave ave-šun h rd-ind. آنها آنها را خوردند (17ب).

ave šaiye-šun šes- una. آنها پیراهن‌ها را شستند (13ب).

همچنان که از مثال‌ها پیداست، شکل ضمیری که به مفعول می‌پیوندد با ضمیری که به فعل متعدی می‌پیوندند، متفاوت و هر دو با شکل نهادی آن که در جدول نیز نمایان است، فرق دارند.

3 9 در صفحه 9 مقاله دوم ذیل مفعول صریح آمده است: «گاهی (ru) علامت مفعول به صورت «run» تلفظ می‌شود مانند pas run detra (گوسفند را دوشیدی؟)». این جمله نیز درست نمی‌نماید، چرا که run علامت مفعولی نیست، بلکه ضمیر متصل

یا پیوسته است که در ساخت ارگتیو ظاهر می‌شود. همچنان که خودشان نیز در توضیح ارگتیو آورده‌اند: «... ضمائر پیوسته به آخر مفعول اضافه می‌گردد» (ص 8 ب). run ضمیر پیوسته دوم شخص جمع است که گاه برای ادای احترام به جای دوم شخص مفرد به کار می‌رود مانند:

šemen kar-run vin-run. شما خانه را دیده بودید (10 ب).

3 10 در بخش حالت (case) زیر حالت نهادی آمده، نهادی به سه گروه

تقسیم می‌شود: الف فاعلی، مانند:

m n avem zami n da vinma.

من او را در مزرعه دیدم.

خطی که زیر m n است نشان می‌دهد که فاعل است، یعنی نقش فاعلی دارد، اما چنین نیست. m n در این جمله حالت غیرفاعلی (مفعول صریحی، نائب فاعلی، و ... ) دارد چون جمله دارای ساخت ارگتیو است و فاعل در اصل همان av (او) است، و در این ساخت همچنان که خود نیز در تعریف ارگتیو آورده‌اند: «عامل برابر با فاعل واقعی (منطقی) و مفعول واقعی (منطقی) برابر با فاعل دستوری است» (ص 8 ب). در جملات صفحات بعد اسم مورد نظر در داخل جمله مشخص نشده تا خواننده بداند درباره نقش کدام ضمیر بحث می‌شود.

3 11 در بخش نتیجه مقاله دوم، معلوم نیست، نویسنده با استناد به کدام بخش

از مقاله به: «2 ارتباط قواعد دستوری این گویش شمال غربی با قواعد دستوری گروه خانواده ایرانی شرقی» (ص 18 ب) اشاره کرده‌اند. اگرچه زبان‌های گروه شرقی و غربی ایران به دلیل ایرانی بودن قواعد مشترکی با هم دارند، اما تاتی کلاسور همان ویژگی‌هایی را داراست که سایر گویش‌های شمال غربی. با وجود چند واژه مشترک با اوستایی نمی‌توان آن را با زبان شرقی مرتبط دانست.

3 12 تعدادی غلط‌های تایپی در متن وارد شده است که گاه به اصل داده‌های زبانی لطمه می‌زند و باعث می‌شود یک واژه گویشی بد خوانده شود. به عنوان مثال در زیر به تعدادی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

شکل نوشته شده	شکل صحیح	صفحه و سطر
rašdune «سوزاندن»	vašdune	ص 8 الف ذیل شماره 4
arune «چراندن»	ص 8 ذیل شماره 4 urne آمده است.	ص 9 الف
bis nay n	bis nay n	ص 19 الف
کل جملات سه سطر آخر آشفته است	----	ص 21 الف سطرهای آخر
utcuna	ut una	ص 18 الف
serania	šerania	ص 8 ب سطر آخر
نصف جمله تاتی حذف شده است.	-----	ص 11 ب سطر سوم
جمله تاتی ناقص به نظر می‌رسد.	----	ص 14 ب سطر 5
marania	قیاساً umarania درست است.	ص 8 ب سطر سوم ماقبل آخر
ar šemen uka ...	av šemen uka	ص 10 ب سطر 10 ماقبل آخر
حرف بعد از اسم می‌آید	حرف «را» بعد از اسم می‌آید	ص 11 ب سطر 9
te ket b eniš barda	te ket b eniš barde	ص 14 ب سطر 6
y m neš vin a	av m neš vin a	ص 14 ب سطر 14
«تو مرا دیدی»	«تو او را دیدی»	ص 14 ب سطر 13
در را نبند	در را باز نکن	ص 16 ب سطر 14

3 13 واج □ (یعنی واج q که بر سرش خط تیره است)، در مقاله بسیار آمده، اما در جدول آوایی معرفی نشده است، احتمالاً همان واج q است که به دو شکل

حروف چینی شده‌اند. چنان است حرف p که رویش خط تیره آمده و در چند جای مقاله مثلاً ص 15 ب سطر 17، و ص 16 ب سطر 3 نوشته شده است.

3 14 لاقه‌های پیشین مضارع در سوم شخص مفرد در محیط‌های آوایی، به چند شکل *ava/ avu/ ave* ظهور کرده، ولی در ص 13 الف، فقط یکی از آنها معرفی شده است، (برای شکل‌های آن رک. صص 13 و 14 الف). احتمال اینکه این لاقه‌ها همان ضمایر سوم شخص مفرد ساخت ارگتیو باشند، وجود دارد.

3 15 یک مصدر دارای دو معنی در فهرست مصادر، دو بار آمده است. مثلاً *bere* یکبار «شدن» و یکبار «بودن» معنی شده است، در حالی که یک مصدر است با دو معنی، و *verite* یکبار «جنیندن» و یکبار «دویدن» معنی شده که باز مانند مورد قبل، یک مصدر با دو معنی است.

3 16 در ص 20 الف، ذیل روش منفی ساختن، آمده است « برای منفی کردن فعل امر از «ma» به جای *be* و *biš* استفاده می‌شود». اما مثالی برای فعل امری که *ma-* جایگزین *biš* بیاید، ذکر نکرده است.

3 17 در ص 21 مقاله الف زیر بند 3 طرز منفی کردن ماضی متعدی آمده، ولی مثال‌هایی که برایش ذکر شده، مضارع معنی شده‌اند. و در همان جا آمده «... در آخر مصدر بعد از حذف «e»، «a» می‌آورند: نمی‌خورم *nim hârda* نمی‌خوری *nir hârda* و ...». باید افزود که این مصدر نیست که بعد از علامت نفی آمده است، بلکه فعل سوم شخص مفرد است که در ساخت ارگتیو با مفعول خود را هماهنگ می‌کند و چون مفعول آن جمله در اغلب موارد غذا و یا هر چیزی است که سوم شخص مفرد فرض می‌شود، در اینجا نیز ساخت ارگتیو به درستی رعایت شده و شکل سوم شخص مفرد

فعل برای همه اشخاص به کار می‌رود. می‌توان این را با مثالی از تاتی خلخال<sup>12</sup> مقایسه کرد:

ama qazâ bard.	ما غذا خوردیم.	man qazâ bard.	من غذا خوردم.
š ma qazâ bard.	شما غذا خوردید.	š ma qazâ bard.	تو غذا خوردی.
avân qazâ bard.	آنها غذا خوردند.	av qazâ bard.	او غذا خورد.

در این مورد نیز bard «خورد» مصدر مرخم نیست، بلکه سوم شخص مفرد است که در ارگتیو برای شش شخص یکسان آمده است.

3 18 در تعدادی از فعل‌های پیشوندی و مرکب ارائه شده در مقاله، نوعی دوگانگی وجود دارد، بدین صورت که مثلاً معلوم نیست شکل *peq rete*<sup>13</sup> (برداشتن)، درست است یا *q retepe*، چون هر دو شکل در مقاله آمده (رک.ص 9 الف و 13 و 15 ب). و در مورد فعل مرکب نیز معلوم نیست جایگاه همکرد کجاست؟ گرچه طبیعتاً مثل همه گویش‌های ایرانی شمال غربی و زبان فارسی، همکرد بعد از اسم و صفت و قید و ... می‌آید مثلاً فعل مرکب «دست زدن» وجود دارد، نه «زدن دست»، در این دو مقاله چندین فعل مرکب است که همکردش در آخر آمده، مانند: *hur □i de* «نوشیدن یا هورت کشیدن»، *k š dure* «پراندن»، *qesa maka* «حرف نزن»، و در مقابل چندین فعل مرکب هم ذکر شده که همکردش در اول است، مثل:

q de k š	پرواز کردن	q de pur	پر کردن
bera t rn	خیس شدن	q de jeru	جدا کردن
bera n s z	بیمار شدن	bera piruz	پیروز شدن

قیاساً باید در همه این فعل‌ها، همکرد در آخر بیاید ولی چنین است. نویسنده مقاله نیز توضیحی نداده است، گرچه اغلاطی چاپی در مقاله وجود دارد، احتمال اینکه همه این موارد اشتباه چاپی (یعنی جابه‌جایی همکرد و اسم یا صفت) باشد، کم است.

اگر در انتهای یکی از مقاله‌ها یک داستان یا حکایت کوچک به زبان تاتی اضافه می‌کردند، برای محققین عرصه گویش‌شناسی بسیار مفید می‌بود، گرچه دیر نشده است و می‌توان از نویسنده محترم که مواد زبانی فراوانی از تاتی در اختیار دارد، انتظار داشت به نشر آن‌ها بپردازد.

#### 4 ویژگی‌های دیگر زبانی تاتی کلاسور

**4 1** از قرینه‌های متن پیداست که واج / / که در گویش‌های ایرانی شمال‌غربی نظیر تاتی (تاتی خلخال، تاتی تاکستان)، هزرنی، تالشی، و گیلکی واجی رایج است، در تاتی کلاسور هم وجود دارد، مثلاً دو مصدر «بریدن» و «بودن» هر دو bere ذکر شده‌اند، قیاساً باید دو تلفظ داشته باشند، و مثل دیگر گویش‌های تاتی تلفظ مصدر «بریدن» b re است، و مصدر «جنیدن» verite آمده و v rite درست‌تر به نظر می‌آید و «افتادن» geneste آمده و g n ste صحیح‌تر به نظر می‌رسد. از مقایسه مصادر آخر این مقاله با مصدرهای تاتی و تالشی، می‌توان این موضوع را بیشتر حس کرد. و شاید بتوان گفت در اغلب جاهای مقاله، که واج / / مورد نظر است، به تبعیت از یارشاطر، از واج /e/ استفاده شده است.

**4 2** ساخت مضارع اخباری در منابع قبلی معرفی نشده است و آنچه به نام مضارع اخباری معرفی شده، مانند: enim umare (می‌آیم)، eniš umare (می‌آیی)، enemun umare (می‌آییم)، (13 الف)، گویا مضارع مستمر است، به دو دلیل: 4 در

شکل با فعل‌های مضارع مستمر دیگر گویش‌های مثلاً تالشی شمالی و گیلکی شباهت دارد، 2 ساخت مضارع اخباری تاتی کلاسور بدون وند یا لاحقه‌های *eniš*، *enim*، *ava* و ... است که در چند جای مقاله دوم، شکل صحیح آن ذکر شده است، از جمله در مثال‌های زیر که شکل صحیح بدون وند آن آمده است. شکل زیر شکل مضارع اخباری تاتی کلاسور است:

m n av kü t rest-im.	من از او می‌ترسم. (14 ب)	1
av m n kü t rest-a.	او از من می‌ترسد. (همان)	2
ave av ku târest-ind.	آنها از او می‌ترسند. (همان)	3
te av kü târest-iš.	تو از او می‌ترسی. (همان)	4
sbi leng ey na bab st-er ?	پای اسب را با چه می‌بندی؟ (9 ب)	5
zemestun nda bare panjarun bab st-emun.	زمستان در و پنجره را می‌بندیم. (10 ب)	6

با توجه به مثال‌های به دست آمده به نظر می‌رسد بتوان طرز ساخت مضارع اخباری تاتی کلاسور را چنین بازسازی یا بیان کرد: ماده مضارع + شناسه ویژه مضارع = مضارع اخباری.

### شناسه‌ها و ضمایر متصلی که به فعل مضارع می‌پیوندند، عبارت‌اند از:

اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع	
-(i)m	-(i)š	-a	-(e)mun	----	-ind	لزم
-	-(e)r	---	---	---	---	متعدی

با مثال‌های بیشتر می‌توان جدول را تکمیل کرد، اما در مواد این دو مقاله نمونه‌های مضارع اخباری برای موارد خالی جدول پیدا نشد. همچنان‌که از مثال‌های 4 و 5 جدول بالا («تو از او می‌ترسی» و «پای اسب را با چه می‌بندی») پیداست، این ساخت چون در دوم شخص مفرد لازم و متعدی متفاوت است، از ساخت ارگتیو برخوردار است. بنابراین در تاتی کلاسور هم مضارع اخباری و هم مضارع مستمر وجود دارد.

**4 3** محتمل است ماضی استمراری تاتی همان ماضی مستمر باشد که با علامت‌های *avu-*, *avuš-*, *avum* و ... می‌آید (12 الف)، و ساخت ماضی استمراری نیز بدون چنین وندی وجود داشته باشد، این فقط یک گمان است در قیاس با گویش‌های تاتی دیگر مناطق و تالشی، که چنین وندی در ماضی استمراری ندارند ولی در عوض در ماضی مستمر وندهای خاصی دارند.

**4 4** ماضی بعید تاتی کلاسور که از فعل کمکی «بودن» استفاده نمی‌کند و به جایش مصوتی در آخر فعل کمک می‌آید، شبیه ماضی بعید تالشی جنوبی (سیاهمزیگی) (رک. سبزعلیپور، 1388: 161) است، که در جدول زیر با هم مقایسه شده‌اند:

تالشی جنوبی	برداشته بودم	برداشته بودی	برداشته بود	برداشته بودیم	برداشته بودید	برداشته بودند
	<i>pigeta-m-â</i>	<i>pigeta-y-â</i>	<i>pigeta-s-â</i>	<i>pigeta-mun-â</i>	<i>pigeta-yn-â</i>	<i>pigeta-šun-â</i>
تاتی	گفته بودم	گفته بودی	گفته بود	گفته بودیم	گفته بودید	گفته بودند
کلاسور	<i>ut-mu</i>	<i>ut-ru</i>	<i>ut- u</i>	<i>ut-una</i>	<i>ut-runu</i>	<i>ut- una</i>

همچنان‌که پیداست، هر دو گویش تاتی و تالشی در ماضی بعید از فعل کمکی «بودن» استفاده نکرده‌اند.

**4 5** در تاتی کلاسور ساختمان مصدر سه شکل دارد: ساده، پیشوندی، و مرکب. در مقاله مثال‌های مصدر ساده بسیار آمده، و هم‌کرد فعل مرکب تاتی کلاسور را مصدرهای ساده  $\square_i$  de «کردن»،  $\square_i$  de «دادن»، و ... مانند:  $\square_i$  de h y «راندن»،  $\square_i$  de «نوشتیدن»،  $\square_i$  de k š dure «پراندن»،  $\square_i$  de t reš dure «پپجیدن»، تشکیل می‌دهند و چند پیشوند فعلی یا مصدری در تاتی به چشم می‌خورد، از جمله:  $\square_i$  de -u و  $\square_i$  de -pe. مانند:  $\square_i$  de «کردن» با پیشوند  $\square_i$  de -u می‌شود: «گشودن»؛ (رک. ص 10 الف و ص 16 ب،  $\square_i$  de bari u-maka «در را نیند»، «گرفتن» با پیشوند  $\square_i$  de -pe می‌شود:  $\square_i$  de rete «برداشتن» (رک. ص 9 الف و 15 ب).

**4 6** به نظر می‌رسد ریشه در تاتی کلاسور، همانند تاتی و تالشی (رضایتی کیشه‌خاله، 1386: 51 و سبزعلی‌پور، همان، 26 و 121)، دو دسته ضعیف و قوی داشته باشد. ریشه ضعیف مصوت - - دارد و ریشه قوی مصوت -u دارد. از ریشه قوی برای واداری کردن افعال استفاده می‌شود، و از ریشه ضعیف برای افعال لازم و موارد دیگر استفاده می‌شود. در جدول زیر چند نمونه فعل از دو گویش تاتی کلاسور در کنار تالشی ذکر می‌شود.

تاتی کلاسور			
افعال واداری		افعال لازم	
turs-en-e	ترساندن	t_r-est-e	ترسیدن
run-n-e	رساندن	--	--
het-urnir-ma	خواباندم	hit-im	خوابیدم

#### تالشی شمالی (عنبران)

افعال واداری		افعال لازم	
tors-on-iyē	ترساندن	târse	ترسیدن
lorz-on-iyē	لرزاندن	lârze	لرزیدن
u-gord-on-iyē	برگرداندن	u-gârde	برگشتن

با این حال، به دلیل کمبود مواد زبانی تاتی کلاسور در این مورد، جای تامل بسیار وجود دارد.

#### 4 7 بخش ضمایر و شناسه‌های تاتی کلاسور، تاتی خلخال (رک، سبزعلیپور،

همان: 47، 103)، و تالشی مرکزی (رک. رضایتی کیشه‌خاله، 1386: 37، 38 و 62) شباهت بسیار و یا ارتباط بسیاری با هم دارند، در این بخش تعدادی از آنها ذکر می‌شود:

نام گویش	من	تو	او	ما	شما	ایشان
تاتی کلاسور	m n	te	av	amen	šemen	ave
تاتی خلخال	man/az	t	a/ av	ama	š ma	av
تالشی مرکزی	man/az	t	a/ av	ama	š ma	av / ay

چنان که پیداست، ضمایر منفصل فاعلی تاتی کلاسور با تاتی خلخال و تالشی مرکزی بسیار شبیه و تقریباً یکی است.

#### ضمایر متصل غیر فاعلی:

نام گویش	مَ	تَ	شَ	مان	تان	شان
تاتی کلاسور	-m	-r	- / -š	- mun	-run	- un
تاتی خلخال	-m	-r	-š	-mân	-rân	-šân
تالشی مرکزی	-m	-r	-š	-mun	-run	-šun

#### شناسه افعال لازم:

نام گویش	مَ	ی		یم	ید	ند
تاتی کلاسور	-m	-š	-a	-mun	-ir	-ind
تاتی خلخال	-m	-š	-e/ /	-mân	-rân	-ind ( )
تالشی مرکزی	-m	-š	-a/-i/	-mun	-run	-in

ضمیر مشترک و اشاره:

ضمایر اشاره				ضمیر مشترک	نام گویش
آنان	آن	اینان	این		
ave	a	eme	em	öšd n	تاتی کلاسور
av	a	m	m	štan	تاتی خلخال
aye	a	me	m	štan	تالشی مرکزی

در تاتی کلاسور «برای تمامی اشخاص «öšd n» به معنی خود و خویش به کار می‌رود» (ص 17 ب) ولی در تاتی خلخال و تالشی بعد از štan ضمایر متصل غیرفاعلی اضافه می‌شود. مانند «štan- m «خودم»، «štan- r «خودت» و ...

ضمایر ملکی<sup>14</sup>:

نام گویش	مال من	مال تو	مال او	مال ما	مال شما	مال آنها
تاتی کلاسور	m n	ešde	ave	amen	šemen	avun
تاتی خلخال	man	št	a	ama	š ma	mân
تالشی مرکزی	m n	št	ayi	ama	š ma	amun

**4 8** افزونه -a پایانی افعال ماضی متعدی تاتی کلاسور (ص 14 ب) قابل مقایسه

است با تالشی مرکزی (رضایتی کیشه‌خاله، 1386: 71)، و تاتی خلخال (سبزعلیپور، 1388: 60) به عنوان نمونه:

تاتی کلاسور		تالشی مرکزی (پره‌سری)		تاتی خلخال (کجلی)	
دیدم	vin-m-a	دیدم	vind- -m-a	گرفته‌ام	ara-gata-m-e
دیدیدی	vin-r-a	دیدیدی	vind- -r-a	گرفته‌ای	ara-gata-r-e
دید	vin- -a	دید	vind- -š-a	گرفته‌است	ara-gata-š-e

ara-gata-mân-e	گرفته‌ایم	vind- -mun-a	دیدیم	vin-mun-a	دیدیم
ara-gata-rân-e	گرفته‌اید	vind- -run-a	دیدید	vin-run-a	دیدید
ara-gata-šân-e	گرفته‌اند	vind- -šun-a	دیدند	vin- un-a	دیدند

همچنان‌که پیداست، در تاتی خلخال (کجلی) این وند به صورت e- ظاهر می‌شود، در هر سه گویش برای همه اشخاص یکسان به کار می‌رود و شناسه هم نیست. (برای افزونه (-a/-e) فعل‌های ماضی نک. سبزه‌علی‌پور، 1388: 101 و 196).

#### 4 9 مصدر

مصادر تاتی کلاسور شباهت بسیاری با مصدرهای تاتی خلخال و تالشی دارند. در زیر به تعدادی از مصادر تالشی مرکزی (رضایتی کیشه‌خاله، و خادمی ارده 1387: 172-158) و تاتی خلخال که شباهتی با مصادر تاتی کلاسور دارند، اشاره می‌شود:

مصدر	تاتی کلاسور	تاتی خلخال	تالشی مرکزی
افتادن	geneste	g n sen	g n ste
آمدن	umare	âmen	âme
آوردن	v rde	vâden	varde
برخاستن	aešde	hašten	perešte
برداشتن	peq rete	pegaten	pegate
بردن	b rde	barde	barde
بستن	b ste	basten	baste
بودن	bere	bien	be
پختن	p te	paten	pate
ترساندن	tursene	târs n sen	târs n ste

tars ste	tars sen	t reste	ترسیدن
g l ste	g l sen	qeleste	جوشیدن
g lâvn ste	g lâv sen	qelne	جوشاندن
ie	ien	ine	چیدن
x te	x ten	hete	خوابیدن
xande	xande	h nde	خواندن
harde	harden	h rde	خوردن
due	dâen	dure	دادن
zunuste	zân sten	zuneste	دانستن
dašte	duten	dute	دوختن
virite	v riten	verite	دویدن
vinde	vinde	vinde	دیدن
še	šien	šere	رفتن
že	zen	žare	زدن
vašeste	vaš sen	vašde	سوختن
šušte	šesten	šesde	شستن
t râkn ste	t rak sen	terekeste	شکافتن، ترکاندن
x rate	x ruten	herâte	فروختن
nue	nâen	nure	گذاشتن
b ram ste	b ram sen	berameste	گریستن
vâte	vâten	ute	گفتن

lang ste	lang sen	l nqeste	لنگیدن
----------	----------	----------	--------

## 5 نتیجه

به عنوان نتیجه و خلاصه کلام می توان چنین گفت که تاتی کلاسور که در دو مقاله معرفی شده است، یکی از گویش های در حال فروپاشی است که باید سریع تر از دیگر گویش های ایرانی به ثبت و ضبط داده های آن اقدام کرد، و با یک کار علمی و زبان شناسی دقیق به همه جوانب زبانی آن پرداخت. آنچه آقای اصغری فراهم کرده اند، راهگشای بسیاری از مشکلات خواهد بود و ذکر چند تذکر و تصحیح هیچ از ارزش علمی کار ایشان نخواهد کاست، بلکه امیدواریم این تذکرات به تکمیل و بهبود کارشان کمک کند.

همچنان که در بخش دوم مقاله با شواهد بسیاری بررسی شد، تاتی کلاسور با گویش های شمال غربی ایران از جمله تاتی خلخال و تالشی مرکزی شباهت بسیار دارد و برای تطبیق بیشتر و بهتر با تاتی سایر مناطق از جمله تاتی اطراف قزوین (رک). یارشاطر، (1969)، تاتی رودبار (رک. سبزه علیپور، 1389) و تاتی سایر مناطق و یا با گویش های دیگر، نیاز به مواد زبانی بیشتری از گویش های ایرانی باقی مانده در آذربایجان است تا در زمینه ارتباط یا عدم ارتباط این گویش ها بتوان بیشتر تحقیق کرد.

### بی‌نوشت‌ها

- 1- تمام مواد زبانی تاتی کلاسور در این مقاله از دو مقاله جناب آقای اصغری است و در همین جا از نامبرده سپاسگزاری می‌نمایم.
- 2- منظور از تحقیق‌های قبلی دو مقاله چاپ شده آقای اصغری است. در تمام این مقاله هر جا به مقاله اول (فعل در گویش تاتی کلاسور (kal sur)) اشاره شده، جهت اختصار با نام «الف»، و هر جا از مقاله دوم (اسم و ضمیر در تاتی کلاسور (kal sur)) صحبت شده، با حرف «ب» مشخص شده است، مثلاً "ص 16 الف" نشانه صفحه 16 مقاله اول است.
- 3- چنان‌که خود نویسنده نیز ذکر کرده (ص 6 الف)، الگوی کارش بیشتر بر مبنای روش تحقیق استاد مرتضوی (رک). «فعل در زبان هرزنی»، مرتضوی، (1342)، و یارشاطر (A Grammar of southern Tati Dialects) است، اما بهتر آن بود در این کار از روش‌های جدید معمول در گویش‌شناسی ایرانی که در مجلات زبان‌شناسی و گویش‌شناسی نمونه‌هایی از آن آمده، پیروی می‌کردند، چون از زمان تألیف هر دو اثر بیش از چهار دهه می‌گذرد.

- 4- این وند از وندهای ماده ماضی سازی است که در گویش های ایرانی بسیار به چشم می خورد و به نوعی در ساخت مصدر جعلی به کار می رود (برای نمونه های این وند نک: سبزه علیپور، 1388 : 30، 126 و 217).
- 5- کیش (پَر، پَر مرغ) کلمه ای است که برای راندن مرغان به کار می رود (نک. فرهنگ فارسی، معین، ذیل کیش).
- 6- احتمالاً *t reš* به معنی «پیچ و گره» از زبان ترکی وارد زبان تاتی شده و مصدر مرکب تاتی *t reš dure* (پیچیدن، پیچ دادن) ساخته است.
- 7- از این مصدر فعل های مرکب زیادی در تاتی کلاسور وجود دارد: *herdan qesa ma-ka* بچه حرف نزن (ص 13 مقاله دوم)، *bari u-ma-ka* در را نبند (ص 16 همان) جمله اخیر باید «در را باز نکن» باشد، چون در تاتی و تالشی این جمله به همین شکل وجود دارد.
- 8- این مصدر در تاتی خلخال *hašt-en* (برخاستن) است، و در مصدر *eašde* (برخاستن) تاتی کلاسور *h-* آغازی تلفظ نمی شود. در تاتی خلخال نیز فعل امر مفرد این مصدر *bay* و ماده مضارع آن *hayz* است.
- 9- برای ساخت ارگنیو در تالشی رک. رضایتی کیشه خاله (1384) و برای ساخت ارگنیو در تاتی خلخال رک. رضایتی کیشه خاله، سبزه علیپور (1386).
- 10- این مثال (*krum kar-eš öšd n du a?*) دو گونه معنا شده است. یکجا در صفحه 9، «کدام خانه را خودش ساخت؟» و جایی در صفحه 15 «کدام خانه را خودش خرید؟» معنا شده است.
- 11- می توان دو دسته ضمائر مفعولی را یک دسته پنداشت که در سوم شخص مفرد و جمع، هر کدام تکواژگونه ای نیز دارند.
- 12- نگارنده مقاله خود از گویشوران تاتی خلخال است.
- 13- در این فعل *pe-* پیشوند است، چون در تاتی و تالشی دیگر مناطق هم *pe-* و *pe-gate* *gaten* به همین معنا رایج است. رک. سبزه علیپور، 1388: 41 و 138).
- 14- در مقاله، این ضمائر تحت عنوان ضمائر در نقش مضاف الیهی (ص 14 ب) آمده اند.

## منابع

- اصغری، احمد. (1385)، «فعل در گویش تاتی کلاسور (*kal sur*)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال 49، شماره مسلسل 198، بهار، ص 4 25.
- (1387)، «اسم و فعل در گویش تاتی کلاسور (*kal sur*)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال 49، شماره مسلسل 207، بهار و تابستان، ص 4 21.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (1384)، *ارگتیو در گویش تالش*، مجله زبان‌شناسی، سال بیستم، شماره اول، بهار و تابستان، ص 113 126.
- (1386)، *زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)*، رشت، فرهنگ ایلیا.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و ابراهیم خادمی ارده. (1387)، *فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی*، دانشگاه گیلان، رشت.

- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان‌دوست سبزه‌علی‌پور. (1386)، «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، فصلنامه ادب‌پژوهی، سال اول، شماره اول، ص 89 105.
- سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست. (1388)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)، تالشی و گیلکی»، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.
- (1389)، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، رشت، فرهنگ ایلیا.
- مرتضوی، منوچهر. (1342)، «فعل در زبان هرزنی»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال 14 ص 61 97.
- معین، محمد. (1375)، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران.
- یارشاطر، احسان. (1336)، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال پنجم شماره 1 و 2، ص 41 46.
- (1371)، «آذری»، زبان فارسی در آذربایجان (2 جلد)، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، تهران ص 391 404.
- A. Yar-Shater. (1969), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague Paris.
- W.B. Hening. (1954) *The Ancient Language of Azerbaijan*, TPhS, 157-177.